

براندازی دموکراسی در ایران (تلخیص)

نویسنده: نیکه ر. کدی (Nikki R. Keddi)*

نقد کتاب 'همه مردان شاه: یک کودتای امریکایی و ریشه‌های ارباب و وحشت در خاورمیانه' نوشته استیفن کینزر

سرنگون شدن مصدق در سال ۱۹۵۳، پیشرفت ایران در قبال دموکراسی و استقلال را تضعیف کرد، موجب تقویت یک نظام سلطنتی استبدادی تحت حمایت ایالات متحده شد و در نهایت یگانه اپوزیسیونی را که شاه نمی‌توانست از عهده سرکوب آن برآید تقویت کرد و آن اپوزیسیون اسلامی بود. دولت مصدق با وجود آن که محبوب‌تر از رژیم کنونی ایران بود، اما در رسانه‌های امریکا به منزله حکومتی منفور توصیف می‌شد و کودتا علیه آن به منزله پیروزی عموم مردم ایران تصویر گردید.

آن کودتا یک نظام سلطنتی استوار بر قانون اساسی را همراه با احزاب سیاسی واقعی‌اش به یک نظام سلطنتی مطلقه مبدل ساخت که در آن انتخابات و پارلمان از آن به بعد به کل تابع اراده شاه بود.

سازمان اطلاعاتی-امنیتی سرّی بریتانیا نقشه براندازی مصدق را طرح‌ریزی کرد، لیکن با توجه به این که هری ترومن، رئیس‌جمهور امریکا بود، ایالات متحده از پیوستن به بریتانیایی‌ها [در زمینه سرنگون‌سازی مصدق] امتناع کرد.

کینزر این امتناع و آشنگتن را ناشی از نظرات ترومن و دین اچسون، وزیر امور خارجه امریکا قلمداد می‌کند. اما برخی از پژوهشگران بر این اعتقادند که دولت امریکا و شرکت‌های نفت آن کشور نمی‌خواستند شرکت نفت ایران و انگلیس، انحصارگری خود را در ایران ادامه دهد، آن هم با توجه به این نکته که شروط ایران برای تشکیل آن شرکت سهامی دوجانبه به نحو منحصر به فردی مساعد بود.

دوایت آیزنهاور، در سال ۱۹۵۳، هنگامی که به ریاست جمهوری امریکا رسید، برادران دالس را نیز همراه با خود به صحنه آورد و مناصبی را در دولت به آنان سپرد. جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه شد و آلن دالس ریاست سازمان سیا را به عهده گرفت. هر دوی آنان دارای تجارب و سوابقی در امور تجاری عمده بودند و می‌پنداشتند که ملی شدن شرکت نفت ایران و انگلیس توسط ایران امتیازات نفتی را در همه‌جای دنیا به مخاطره خواهد افکند.

وضعیت هشدارآمیزی برای عموم مردم امریکا و بریتانیا پدید آمده بود و آن این بود که حزب کمونیست ایران موسوم به حزب توده در شرف تسلط یافتن بر یک کشور استراتژیک بود که با دشمن امریکا در جنگ سرد - یعنی اتحاد شوروی - مرز مشترک داشت و اقدامات مصدق، دسترسی غرب به نفت را در معرض مخاطره قرار داده بود. در واقع همه کشورهای صادرکننده نفت، حتی کشورهای کمونیست، اشتیاق فراوان داشتند که نفت خود را به غرب بفروشند، زیرا غرب مهم‌ترین بازار آنان محسوب می‌شد. کینزر نشان می‌دهد که آنچه در معرض مخاطره قرار گرفته بود، دسترسی به نفت ایران نبود، بلکه سودهای کلان شرکت‌های نفت بود. استدلال برپایه خطری که از جانب کشورهای کمونیستی غرب را تهدید می‌کند، استدلال ضعیفی بود، چرا که ناسیونالیست‌ها به مراتب نیرومندتر از کمونیست‌ها بودند و به رسمیت شناخته شدن ملی شدن نفت در سطح بین‌المللی آنان را بیش از پیش تقویت می‌کرد.

برادران دالس حتی قبل از آن که عهده‌دار سمت‌های خود شوند، در ارتباط با عزل مصدق با بریتانیایی‌ها در تماس و در حال تبادل نظر بودند و دیری نگذشت که آیزنهاور را که در بدو امر در مورد سرنگونی او دچار تردید و دودلی بود، به این کار متقاعد کردند. وینستون چرچیل و همکاران محافظه‌کارش دولت کارگری را شکست داده و یک رشته عملیات خصمانه و ستیزه‌جویانه را علیه مصدق آغاز کرده بودند، عملیاتی که باعث شد ایران روابط دیپلماتیک خود را با بریتانیا قطع کند و همه اتباع بریتانیایی را از خاک خود اخراج نماید.

چند نکته جالب توجه و چشمگیر در مورد توطئه کودتا در روایت کینزر به نحو برجسته‌ای خودنمایی می‌کند.

فقدان جماعتی که
از مصدق حمایت
کنند، به روزولت
امکان داد تا از
جماعت مزدور که
قبلاً به آنان پول
پرداخت شده بود
استفاده کند و
رهبری آنها به عهده
اراندل و اوباش و
پهلوانان
باستانی کار قرار
گذاشته شد.
عملیات آن روز ۱۹
اوت به انجام رسید
و با حمایت جماعات
خودسر و عیله‌ای از
نظامیان، کودتا به
ثمر رسید.

یکی از این نکات، شکست طرح اولیه کودتا بود، توطئه‌ای که مصدق پیشاپیش از وجود آن باخبر شد و به دنبال آن روزولت به اقداماتی ابتکاری دست زد. یکی از ویژگی‌های چشمگیر طرح جدید، استفاده از مأموران اغتشاشگر بود که در ایجاد تحریکات مهارت داشتند.

فقدان جماعتی که از مصدق حمایت کنند، به روزولت امکان داد تا از جماعت مزدور که قبلاً به آنان پول پرداخت شده بود استفاده کند و رهبری آنها به عهده آراذل و اوباش و پهلوانان باستانی کار گذاشته شد. عملیات آن روز ۱۹ اوت به انجام رسید و با حمایت جماعات خودسر و عده‌ای از نظامیان، کودتا به ثمر رسید.

قراردادی که در سال ۱۹۵۴، در خصوص نفت انعقاد یافت، ملی شدن صنایع نفت را اسماً به حال خود باقی نهاد، اما قدرت واقعی در دست کنسرسیومی افتاد که از شرکت‌های نفتی ایران، انگلستان و امریکا و چند کمپانی بین‌المللی تشکیل شده بود. از سال ۱۹۷۹ به بعد، موفقیت امریکا در سیاست خارجی‌اش مشکوک به نظر می‌رسد. خصوصاً امریکا با ناسیونالیست‌هایی از قبیل مصدق، سوکارنو در اندونزی و جمال عبدالناصر در مصر، انگیزه‌ای برای ایجاد تحولاتی در حکومت‌های گوناگون به وجود آورد، لیکن نه دولت‌هایی که بعداً در آن کشورها روی کار آمدند و نه جنبش‌های اسلام‌گرایانه‌ای که پس از ناکامی ناسیونالیسم و کمونیسم نیرو گرفتند، نتوانستند سیاست‌هایی پدید آورند که به سود ملت‌هایشان و یا نهایتاً به سود امریکا تمام شود.

به طوری که کتاب کینزر نشان می‌دهد، اگر کودتای ۱۹۵۳ به وقوع نپیوسته بود، امکان داشت امریکا تاکنون نظام سلطنتی پارلمانی خود را گسترش داده و به یک دموکراسی تمام عیار و کارآمد مبدل شده بود، کودتای مزبور به رهبران امریکا که می‌خواستند دولت‌های منشأ خطر را سرنگون کنند قوت قلب بخشید؛ با این همه، ضربه تلافی جویانه امریکا ستیزانه نهایی بر ضد این عملیات در ایران و از نقاط دیگر، هنوز باعث نشده است که طرح‌ها و نقشه‌های آینده جهت تغییر دادن سایر دولت‌ها کنار گذاشته شوند.

پی‌نوشت:

* استاد ممتاز تاریخ ایران و خاورمیانه در دانشگاه اوکلا و نویسنده کتاب "ایران نوین: ریشه‌ها و نتایج انقلاب".

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابسرای ناصر

● عرضه کتاب‌های قدیمی و کمیاب

● خرید کتابخانه‌های شخصی

● تهیه کتاب‌های درخواستی و تحویل در محل

نشانی: میدان انقلاب، کارگر جنوبی، اول خیابان وحید نظری، پاساژ نادر، کتابفروشی ناصر

تلفن: ۰۹۱۱ ۲۷۶۵۲۰۰ - ۶۴۹۶۲۵۹

به طوری که کتاب
کینزر نشان
می‌دهد، اگر کودتای
۱۹۵۳ به وقوع
نپیوسته بود، امکان
داشت امریکا تاکنون
نظام سلطنتی
پارلمانی خود را
گسترش داده و به
یک دموکراسی تمام
عیار و کارآمد مبدل
شده بود، کودتای
مزبور به رهبران
امریکا که
می‌خواستند
دولت‌های منشأ
خطر را سرنگون
کنند قوت قلب
بخشید؛ با این همه،
ضربه تلافی جویانه
امریکا ستیزانه
نهایی بر ضد این
عملیات در ایران و از
نقاط دیگر، هنوز
باعث نشده است که
طرح‌ها و نقشه‌های
آینده جهت
تغییر دادن سایر
دولت‌ها کنار
گذاشته شوند